



ویرایش کتاب درسی؛ ضرورت‌ها و بایسته‌ها

اما وقتی سخن از ویرایش «کتاب درسی» به میان می‌آید، نکات و بایسته‌های بسیار دیگری به این عناصر افزوده می‌شود. زیرا کتاب درسی در اختیار خیل عظیمی از خوانندگانی قرار می‌گیرد که از نظر شمار، عظیم‌ترین گروه کتاب‌خوانان را تشکیل می‌دهند؛ گروهی عظیم و پرشمار با سطوح فرهنگی متفاوت و از مناطق جغرافیایی متنوع کشور که قرار است همه، فقط کتاب‌های واحدی را بخوانند و مهم‌تر اینکه از آن‌ها «بیاموزند»؛ پس، به راستی چنین کتاب‌هایی به ویرایش نیاز دارند؛ آن هم ویرایشی جدی، دقیق و اساسی، همراه با نکته‌سنجی و حساسیت، و البته چنین ویرایشی ظریفی دارد که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

ظرافت ویرایش کتاب درسی

کتاب درسی یا درس‌نامه به منظور آموزش یک یا چند مبحث معین نوشته می‌شود و دارای کالبدشناسی خاصی است. دو ویژگی مهم آن، برخورداری از هدف و مبتنی بودن بر سیلابس یا برنامه درسی است. خواننده این نوع کتاب، در زمان‌های مختلف بارها و بارها به بخش‌های گوناگون آن مراجعه می‌کند؛ از همین رو، کتاب درسی تا حدودی حالت کتاب مرجع را دارد و آن را کتاب «نیمه مرجع» یا «شبه مرجع» به حساب می‌آورند. متن درس‌نامه یا کتاب درسی معمولاً دارای ساختار فصل‌بندی شده است؛ یعنی از تعدادی فصل، بخش و زیربخش، بند (پاراگراف) و جمله تشکیل می‌شود. تصویر، نمودار و جدول نیز از دیگر عناصر دیداری درس‌نامه است. آنچه کتاب درسی را از سایر کتاب‌ها جدا می‌کند، ضرورت برخورداری آن از صحت و دقت بیشتر است و دلیل این امر، همانا انبوه خوانندگان این‌گونه کتاب و قرار گرفتن آن در جایگاه منبع معتبر و قابل اعتماد و الگوی علمی و زبانی است. براین اساس کتاب درسی، باید از صحت و دقت علمی برخوردار باشد، خطا و اشتباه ساختاری و زبانی در آن راه نیابد، قادر به آموزش صحیح مخاطبان خود باشد و بتواند مطالب مورد نظر مؤلفان را به خوبی به خوانندگان منتقل کند. لازمه این امر، وجود ویراستاران علمی و موضوعی و نیز ویراستاران متن (زبانی و فنی) در کنار مؤلفان و گروه‌های تألیف است. در این میان، همان‌طور که اشاره شد، ویرایش کتاب درسی ظریفی دارد که در اینجا به آن‌ها می‌پردازیم.

1 زبان کتاب درسی زبان علمی است؛ یعنی زبانی با ویژگی‌هایی

در سال‌های اخیر، در تعریف ویرایش و ضرورت آن سخن بسیار گفته شده و مطالب فراوانی نیز در این مورد به چاپ رسیده است. بر این اساس، به نظر نمی‌رسد، از اهالی فرهنگ، کسی باشد که این مقوله را - دست‌کم تا حدودی - نشناسد و با وجود ویرایش در صنعت نشر مخالفتی داشته باشد. این به سبب تأثیرات مطلوبی است که اعمال ویرایش بر متن دارد. در این میان، آنچه می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، چگونگی و حدود خدمات رسانی ویرایش به مثابه بخشی از عملیات پیش‌تولید در فرایند چاپ - به‌طور عام - و در محدوده کتاب درسی - به‌طور خاص - است که ما در این نوشته مورد توجه قرار داده‌ایم. بنابراین در این نوشته چگونگی ویرایش و حدود و بایسته‌های آن در کتاب‌های درسی - و از جمله کتاب‌های پایه دهم - را بررسی می‌کنیم.

ویرایش و کارکرد آن در متن

گفته می‌شود هر متنی که قرار است شماری از افراد آن را بخوانند، صرف‌نظر از اینکه چه کسی آن را نوشته است، باید ویرایش شود. براین اساس، فقط یادداشت‌های روزانه و خاطراتی که برای دل خودمان می‌نویسیم و نیز نامه‌های شخصی که امروزه، به مدد دنیای دیجیتال و فضای مجازی، بی‌استفاده از کاغذ، پاکت، تمبر و پست به دست هم می‌رسانیم، به ویرایش و ویراستار نیاز ندارد. (و صد البته، همین نوشته‌ها را هم، نویسنده خودش بارها و بارها ویرایش می‌کند). بر این اساس، اگر متنی را بنویسیم و بخواهیم آن را چاپ کنیم و به دست افراد زیادی در مناطق دور و نزدیک برسانیم، به ویژه اگر از طریق آن بخواهیم آموزش بدهیم، به ناچار باید از خدمات ویراستار استفاده کنیم تا متن ما از خطاهای دستوری، ناراستی‌های املائی، انحراف از زبان معیار، لغزش‌های زبانی و کاربردهای مفهومی نادرست، حشو و تکرار، ضعف تألیف یا سستی ساختار جمله‌ها، درازگویی و اطنان، پیچیده نویسی و ابهام و نیز اشکالات منطقی جمله‌ها و ناهماهنگی‌های سبکی بپیراید و آراسته و سخته سازد. همچنین، با به کارگیری و ثبت علائم سجاوندی یا اصلاح‌زاده‌روی یا قصور در کاربرد این علائم و نیز پیشنهاد واژه‌های جایگزین زیباتر و متناسب‌تر به جای واژه‌های پیشنهادی ما در متن، اثر ما را بهبود بخشد و خواندن آن را آسان و دلپذیر کند. آنچه گفته شد به عملکرد ویرایش و ویراستاران در کل اشاره دارد؛

چون شفافیت و وضوح، روانی، دوری از ابهام و پیچیدگی، صحت دستوری و مطابقت با زبان معیار، روایی و صحت علمی. بر این اساس، ویراستار کتاب درسی خود باید به طور کامل هر درس، بند، جمله و کلمه متن را درک کند و مطمئن شود که خوانندگان کتاب نیز آن‌ها را در خواهند یافت. هر جا هم که با ابهام یا پیچیدگی، دراز نویسی کسالت‌آور یا موجز نویسی محل معنایی یا عدم انسجام و در هم ریختگی زبانی یا معنایی مواجه می‌شود، باید آن را به اطلاع مؤلفان برساند. باید در نظر داشت که ویراستار از اولین کسانی است که متن را می‌خواند و اگر او نتواند آن را درک کند، بی تردید، شماری از مخاطبان کتاب نیز قادر به درک آن نخواهند بود.

۲ کتاب درسی ساختار درس‌نامه‌ای دارد. از این رو، به چینش مطالب و طبقه‌بندی آن‌ها در متن باید توجه شود و به‌ویژه ویراستار باید دقت کند که آیا اطلاعات به تناسب در سراسر متن گنجانده شده، بخش‌ها و زیربخش‌ها و شماره‌گذاری‌های آن‌ها درست است، و افتادگی ندارد، هر مفهوم تازه بر بستری از اطلاعات پیشین قرار گرفته یا هیچ اطلاعات زمینه‌ای برای آن وجود ندارد و ... در واقع، ویراستار به طرح و نقشه درسی و هر آنچه در این مورد محل خط سیر آموزش است توجه می‌کند.

۳ با توجه به هدف درس‌نامه، محتوای کتاب‌های درسی در هر دوره تحصیلی و هر پایه باید متناسب با توانایی‌های زبانی و منطقی و ویژگی‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان آن دوره و پایه باشد. بر این اساس، ویراستار دشواری‌های زبانی کتاب و بخش‌هایی را که برای مخاطب آن دیرپا یا غیرقابل درک است کشف می‌کند و به کمک مؤلفان آن‌ها را برطرف می‌سازد.

۴ در پایه‌های اولیه تحصیلی و به ویژه در دوره ابتدایی، کتاب‌های درسی هم‌زمان با علم‌آموزی، زبان‌آموزی نیز می‌کنند. به همین دلیل، ویراستار ضمن خودداری از حک و اصلاح متن علمی، به گونه‌ای که در آن شبهه‌ای ایجاد شود یا مفهوم از دست برود، متن را با شاخصه‌های نثر معیار فارسی هماهنگ می‌سازد. زبان کتاب درسی لازم است پیراسته از هر گونه لغزش و نالستواری، در آمیختگی بی‌ضابطه با زبان‌های غیرمعیار (زبان حرفه‌ای، محاوره غیرمعیار و...) باشد؛ چرا که این‌گونه کتاب، الگوی بسیاری از نویسندگان در نوشتن، به ویژه نوشتن برای گروه سنی پیش از دبستان تا دوره متوسطه، است.

۵ رعایت شیوه‌آملایی واحد و ضبط همگون و هماهنگ کلمه‌ها و نیز حذف غلط‌های املائی در کتاب درسی حساسیت ویژه‌ای دارد. در این حوزه، رعایت شیوه خط فرهنگستان زبان و ادب فارسی ضرورت دارد؛ از این رو که با رعایت این شیوه خط، نه تنها یکدستی املائی بر کتاب‌های درسی حاکم می‌شود بلکه با توجه به کاربرد این شیوه از طرف بسیاری از بنگاه‌های نشر، خط فارسی و حوزه املا قدری ضابطه‌مند می‌گردد.

۶ علاوه بر تقید کتاب درسی به کاربرد نگارش علمی و ساختار

زبان فارسی معیار، این‌گونه کتاب لازم است از تسلط گویش و لهجه و نیز سبک نوشتاری خاص مؤلفان - که گاه متکلفانه و دشوار با تعبیرهای بی‌سابقه و گاه گرت‌برداری از زبان‌های دیگر است، دور باشد. ویراستاران در این زمینه باید دقت و ریزبینی بسیار داشته باشند.

۷ ویراستار کتاب درسی لازم است به هندسه مناسب درس‌ها و چگونگی چینش بندها در متن توجه داشته باشد؛ چرا که گاه در مرحله حروف‌چینی، بندها جابه‌جا می‌شوند یا افتادگی پیدامی‌کنند و در مرحله نمونه‌خوانی نیز این مسئله مورد توجه قرار نمی‌گیرد و از چشم می‌افتد.

۸ علاوه بر برخورداری کتاب درسی از زبان روشن و شفاف، استحکام منطقی، صحت استدلال‌ها و درستی مقدمات و نتایج حاصل از آن‌ها، از الزامات کتاب درسی، و بررسی آن‌ها از وظایف ویراستاران است. گاه ویراستار، نبود ارتباط منطقی میان مؤلفه‌های مختلف در یک درس و صحت استدلال‌ها را، با قرار دادن یا تغییر عبارت‌های واسطه‌ای چون «زیرا»، «به همین دلیل»، «بنابراین» و... اصلاح می‌کند و گاه نیز با ایجاد تغییرات زبانی لازم مورد تأیید مؤلف، بر صحت منطقی و وضوح متنی می‌افزاید.

۹ کنترل صحت تاریخ‌ها، ضبط اسامی جای‌ها و کسان، ارجاعات و زیرنویس عکس‌ها و از این قبیل، از وظایف ویراستار است و باید مورد توجه او قرار گیرد. به علاوه، توجه به جزئیات تصویرها، آزمایش‌های علمی و بخش‌های دیگری که گاه پس از مرحله ویرایش و بی‌اطلاع ویراستار در متن نهایی قرار می‌گیرند، از طرف ویراستار الزامی است.

۱۰ تشخیص غلط‌های تایپی که از بی‌دقتی یا خطای بصری نمونه‌خوان‌ها و نظارت‌کنندگان بر ماکت نهایی ناشی می‌شود نیز وظیفه ویراستار است. بدیهی است که بی‌توجهی به این‌گونه غلط‌ها و راه یافتن آن‌ها به متن نهایی، باعث بی‌اعتمادی دانش‌آموزان به کتاب درسی می‌شود و بازگرداندن این اعتماد، اگر نگوئیم غیر ممکن، دست‌کم دشوار است.

سخن پایانی

امیدواریم با تلاش مضاعف برنامه‌ریزان درسی و طراحان آموزشی، مؤلفان و ویراستاران زبده و دقیق، حروف‌چینان، نمونه‌خوانان، تصویرگران و نیز صفحه‌آرایان خیره و کارآمد، کتاب‌های درسی بتوانند در مسیر ارتقای علمی، بهبود ذائقه و توانش زبانی و سلیقه هنری دانش‌آموزان کشور، هر چه بیشتر تأثیرگذار باشند.

منابع

۱. آذرنگ، عبدالحسین. (۱۳۸۲). در قلمرو نشر و ویرایش و دانش‌نامه نگاری. تهران: ققنوس.
۲. ارژنگ، غلامرضا. (۱۳۹۲). ویرایش زبانی. چاپ دوم. تهران: قطره.
۳. محمدی‌فر، محمدرضا. (۱۳۸۱). شیوه‌نامه ویرایش. جلد اول: اصول و ویرایش و نشر. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.